

دفتر فرنگ

رضا اسپیلی

اشاره‌ی به:

کتاب تبعید، موطن اندیشه، کوستاس اسکولوس،
فیلیپ مورو دفارژ، کتاب ژئوپولیتیک برای نادان‌ها،
رمان، مارکو میسرولی، راشل شالیتا، ژرار موردیا،
برتران روته، کتاب قوانین سرمایه، الکسیس کوکیه،
ناتان لوگران، اریک توسن، کمیته‌ی ابطال وام‌های
ناروا (CADTM)، اروپا را به مردمش برگردانیم
(RecommonsEurope)

افلاطون، سقراط، کارل مارکس، کورنلیوس
کاستوریادیس، مؤسسه‌ی روابط بین‌الملل فرانسه
(IFRI)، گروه بریکز، کلاه‌آبی‌های سازمان ملل،
روزنامه‌ی کورییره دلا سیرا، شبکه‌ی آرت، فیلم
مستند کار، دستمزد، سود، جنبش جلیقه‌زدها،
چپ مردمی مخالف با دولت‌های لیبرال





کتاب

Kostas Axelos, *L'Exil est la patrie de la pensée*, Rue d'ulm, Paris, 2015.

افلاطون به سقراط می‌گفت: «بی‌جا و مکان» (= atopos). و کوستاس آکسلوس (۱۹۲۴-۲۰۱۰) فیلسوف متخصص کارل مارکس و تبعیدی که در همان قایقی یونان درگیر جنگ داخلی سال ۱۹۴۵ را ترک کرد که کورنلیوس کاستوریادیس، با اشاره به این نقل قول افلاطون می‌نویسد: «همه‌ی فلاسفه و اندیشمندان همواره در تبعید می‌زیند گرچه به کشوری، خانواده‌یی یا نظام سیاسی وابسته باشند... چون که دنیایشان از بنیاد باز است و باز باقی می‌ماند». آکسلوس معتقد است که «پیشانی معاصر» سبب‌ساز «کرختی افتاده بر روی همه‌کس و همه‌چیز» شده و این کتاب که عنوانش را می‌توان اینطور ترجمه کرد، تبعید، موطن اندیشه مقدمه‌ی خوبی است برای ورود به دنیای این کرختی و بی‌رمقی که او می‌کوشد در آثار فلسفی‌ش شرحش بدهد.



Avec les Nuls, tout devient facile !

La Géopolitique pour les nuls



Les clés de la démarche
géopolitique

Les grands enjeux
géopolitiques régionaux
et planétaires

Les défis globaux imposés
par la mondialisation des
flux et des réseaux

**Philippe Moreau
Defarges**

Ancien diplomate, auteur de
L'Histoire du monde pour
les Nuls

کتاب

Philippe Moreau Defarge, *La géopolitique
pour les nuls*, First, Paris, 2019.

فیلیپ مورو دفارژ، پژوهشگر مؤسسه‌ی روابط بین‌الملل فرانسه (IFRI) در این فرهنگنامه با عنوان همراه با طنز ژئوپولیتیک برای نادان‌ها، که می‌توان با مسامحه به ژئوپولیتیک برای مبتدی‌ها هم برش گرداند، به دویست مفهوم کلیدی در روابط بین‌الملل پرداخته: از مأموریت‌های کلاه‌آبی‌های سازمان ملل تا حق مداخله‌ی بشردوستانه، یا سازوکار و بنیادهای اتحادیه‌ی اروپا، یا گروه بریکز (مشمول بر برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی)، یا سیاست خارجی چین و یا مدیریت اموال عمومی در سطح جهانی تا حتی اقتصاد مبتنی بر نفت و... تعریف‌های دقیق، روشن و مختصر همراه با مثال از جمله مزیت‌های این کتاب هستند. اما به نظر من مهمترین امتیاز این اثر آنجاست که مسائل مجادله‌آمیزی همچون مهاجرت، لیبرالیزه کردن داد و ستد در سطح جهانی، بحران واحد پول اروپایی، یورو، را با اسناد و مدارک تحلیل و بررسی می‌کند.

Chaque fidélité

roman

Marco Missiroli

PRIX STREGA GIOVANI 2019



مارگریتا و کارلو پنته کوسته سال هاست زن و شوهرند. آنچه زندگیِ تاب‌ه‌حال دوام آورده‌ی آنها را دچار بحران می‌کند دو چیز است. این دو چیز درحالی‌که مربوط به آنهاست خیلی هم در اختیار آنها نیست و مشکل اساسی در همین است. این دو مشکل عبارتند از: ۱. مارگریتا از کارلو که استاد دانشگاه است می‌خواهد خانه‌یی بخرد که فراتر از بنیه‌ی مالی آنهاست و ۲. مارگریتا تصمیم می‌گیرد که دیگر درباره‌ی شایعه‌ی رابطه‌ی کارلو با یکی از دخترهای دانشجو، خودش را به نشنیدن نزند. اینکه آیا مارگریتا اصلاً شایعه را باور کرده یا چقدر از آن ناراحت است یا با طرح این مسأله در پی چیست چنان در نحوه‌ی روایت داستان ارائه شده که متوجه می‌شویم قضاوت به ما به‌عنوان خواننده سپرده شده است. نویسنده با روایت بی‌طرفانه و هر بار از زاویه‌ی دیدِ هر یک از این دو و همچنین با دادن اطلاعات به صورت قطره‌چکانی موفق شده بی‌طرفی خود را حفظ کند. اهمیت دیگر داستان در این است که نویسنده نشان می‌دهد که مشکلات این زوج جهان‌شمول، و در نتیجه، فراتر از اراده‌ی آنهاست و در بعدی کلان‌تر به تأثیر مستقیم بحران‌های اقتصادی - اجتماعی جهانی بر خانواده‌ها پرداخته. او به خوبی در رمانش نشان می‌دهد که ناتوانی این زوج در خرید خانه با بحران مالی که باعث افزایش قیمت زمین و مسکن شده ارتباط مستقیم دارد.

مارکو میسیرولی در میلان، شهری که رمان در آن می‌گذرد، سردبیر مجله‌ی روانشناسی و ستون‌نویس سرویس فرهنگی روزنامه‌ی کورییره دللا سرا (به معنی روزنامه‌ی عصر) است.

Rachel Shalita, *L'Ours qui cache la forêt*, L'Antilope, Paris, 2019.

رمان

راشل شالیتا، بانوی نویسنده‌ی اسرائیلی در شش بخش از رمانش ماجرای به‌ظاهر متفاوت شش زن را باز می‌گوید که گرچه شخصیت‌ها و ماجراهایشان از هم متفاوتند، در یک چیز مشترکند و آن هم موضوع پیچیده‌ی است به نام تبعید؛ گرچه خودخواسته باشد. عنوان رمان هم که در زبان اصلی جنگل و خرس است (و در ترجمه‌ی فرانسوی شده خرسی که جلو جنگل را گرفته) از ضرب‌المثل یهودی «نه جنگلی، نه خرسی» گرفته شده که حاکی از هیچ است، از چیزی که وجود ندارد. و این هیچ در اینجا بی‌مکانی است، که حسی است حاصل زندگی در تبعید. شخصیت‌های رمان که همه از اسرائیل به آمریکا کوچیده‌اند، هریک به علتی، خواب هراسناک جنگل می‌بینند که «پر است از دد و وحش» و این در حالی است که «در اسرائیل جنگلی اگر هست مصنوعی است». بی‌مکان بودن، که کابوس جنگل استعاره‌ی از آن می‌باشد، سبب‌ساز مشکلات و پرسش‌های دیگری می‌شود مانند سؤال از هویت، از اینکه از کجا آمده‌ام. سؤالی که پاسخ قطعی برایش نمی‌توان یافت. شاید بتوانیم پیام اصلی رمان را که نویسنده کوشیده با پرداخت شخصیت‌ها و زندگی‌شان به ما منتقل کند در این جمله بجویم: ما پیش از آنکه به جایی تعلق داشته باشیم، به روشی از زیستن تعلق داریم.

Rachel Shalita
**L'ours
qui cache la forêt**

roman

traduit de l'hébreu par Gilles Rozier

*l'*antilope

Tu n'auras pas d'autre
Dieu que le Profit - Tu
achèteras toujours au
plus bas pour vendre au
plus haut - Tu privatiseras
les bénéfices - Tu mutuali-
sieras les pertes - Tu
honoreras le Profit et
la rente - Tu ne feras que
ce que Dieu te l'a ordonné -
Tu tueras la concurrence -
Tu asserviras les forces
productives - Tu banniras
l'idée du bien commun.

Gérard Mordillat

Bertrand Rothé

LES LOIS DU CAPITAL

Sur Arte
« Travail, salaire,
profit »

Seuil

arte

Gérard Mordillat et Bertrand Rothé, Les Lois du capital, Seuil, Paris, 2019.

کتاب و فیلم مستند

ژرار موردیا و برتران روتنه در کتابشان قوانین سرمایه، که شبکه‌ی آرته (Arte) فیلم مستندی به نام کار، دستمزد، سود از آن ساخت و در شش اپیزود آن را پخش کرد، با استفاده از آرای پژوهشگرانی از اروپا و آمریکا و آفریقا و چین به مسائلی مانند بحران زیست‌محیطی، نظارت بر امور مالی بین‌المللی، ایجاد برابری کامل زن و مرد و... می‌پردازند. مؤلفان بنا داشته‌اند به «مفاهیم بنیادین اقتصادی» پردازند و پژوهشگرانی که برای همکاری در اثرشان برگزیده‌اند یا سندیکالیست هستند یا از جنبش‌های اجتماعی می‌آیند و یا از نحله‌ی روشنفکران مترقی.

MANIFESTE POUR UN NOUVEL INTERNATIONALISME DES PEUPLES EN EUROPE

RECOMMONS EUROPE

ReCommonsEurope, Manifeste pour un nouvel internationalisme des peuples en Europe, 2019.

مانیفست

اما اگر پرسش اصلی این است که چگونه این نظرها را به عمل آوریم می‌توان به مقاله یا بهتر بگوییم مانیفستی اشاره کرد که الکسیس کوکیه، ناتان لوگران و اریک توسن از اعضای کمیته‌ی ابطال وام‌های ناروا (CADTM) تدوین کرده‌اند. این نویسندگان برآنند که راه‌حل، ایجاد و سازماندهی «نیروی از چپ مردمی» مخالف با دولت‌های لیبرال» است که در گام اول بخواهد از اتحادیه‌ی اروپا خارج شود. و به‌عنوان مثال از جنبش جلیقه‌زرها در فرانسه یاد می‌کند که مطالباتش در مواجهه با دولتی لیبرال شکل گرفته که خدماتش را به ثروتمندها ارائه می‌دهد. عبارت چپ مردمی مخالف با دولت‌های لیبرال، عبارت کلیدی است چراکه از این آگاهی می‌آید که دولت‌های سوسیالیستی تاکنون روی کار آمده در اروپا دولت‌های لیبرال‌مسلك بوده‌اند و نه دولت‌های فراهم‌آورنده‌ی آمال سوسیالیستی.

کمیته‌ی ابطال وام‌های ناروا، انجمنی است از پژوهشگران علوم انسانی در اروپا که برای ابطال وام‌های مؤسسه‌های مالی بین‌المللی به کشورهای فقیر یا در حال رشد مبارزه می‌کند و تحلیل‌هایش را در مجله‌ی اینترنتی خود با عنوان ReCommonsEurope که می‌شود به اروپا را به مردمش برگردانیم ترجمه‌اش کرد به رایگان در وبسایتش به نشانی زیر منتشر می‌کند:

www.cadtm.org

مانیفست برای بین‌الملل نو مردم اروپا را می‌توانید به این نشانی بیابید:

<https://www.cadtm.org/IMG/pdf/recommons-2019-pages.pdf>